

یادگیری رفتار مجرمانه در فضای سایبر

سجاد حسینی* و مهرداد رایجیان اصلی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۶	شماره صفحه: ۳۱۴-۲۷۹
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

امروزه افراد بسیاری از طریق فناوری‌های پیشرفته و ابزارهایی همچون گوشی هوشمند و لپ‌تاپ با فضای مجازی و اینترنت آشنا هستند، دنیایی که بسیار گسترده‌تر از دنیای واقعی است و محدودیت زمانی و مکانی را درهم شکسته و تعاملات و ارتباطات افراد با یکدیگر را از بُعد مادی خارج کرده و حس آزادی افراد را افزایش داده است. به عنوان مثال افراد در فضای مجازی چیزهایی را بیان می‌کنند که هرگز در فضای واقعی نمی‌گویند. فضای مجازی دارای ابعاد مثبت و منفی بسیاری است که این مقاله به بررسی یکی از ابعاد منفی آن یعنی یادگیری رفتار مجرمانه از طریق هم‌نشینی‌های فرق‌دار در فضای مجازی می‌پردازد. ایده مقاله برگرفته از نظریه هم‌نشینی فرق‌دار ادوین ساترلند است؛ با این تفاوت که هم‌نشینی‌های فضای مجازی آثار شدیدتری از هم‌نشینی‌های فضای واقعی از خود برجای می‌گذارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که رفتارهای مجرمانه چگونه و با چه فرایندی در دنیای مجازی فراگرفته می‌شوند؟ و چه تفاوتی میان یادگیری رفتارهای مجرمانه مجازی و واقعی وجود دارد؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که نظریه هم‌نشینی فرق‌دار ساترلند قابل تعمیم و تسری به فضای مجازی است و چه‌بسا در دنیای مدرن امروزی یادگیری رفتار مجرمانه مجازی بیش از یادگیری در محیط واقعی اهمیت می‌یابد، زیرا دنیای مجازی با تحریک حس شنوایی و بینایی در قالب تصویر، گفتار و نوشتار به صورت توأمان و یکجا میزان یادگیری را افزایش می‌دهد و به یک محیط جرم‌زا تبدیل می‌شود و باعث نشر و گسترش بیش از پیش رفتارهای مجرمانه در دنیای واقعی و مجازی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: هم‌نشینی فرق‌دار؛ یادگیری؛ فضای مجازی (سایبر)؛ فضای واقعی؛ ارتباطات مجازی؛

انتقال رفتار مجرمانه

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: hoseini.sajjad134@gmail.com

** استادیار گروه حقوق پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)؛

Email: m.rayejian@samt.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی‌ام، شماره یکصد و چهاردهم، تابستان ۱۴۰۲

doi: 10.22034/MR-2109-4836

مقدمه

گسترش ارتباطات میان افراد در دنیای امروز جز با استفاده از وسایل نوین ارتباطات الکترونیکی ممکن نیست و با به کارگیری این وسایل و ورود به شبکه جهانی وب دیگر روابط میان مردم محدود به یک مکان یا زمان خاصی نخواهد بود و فضای مجازی به عنوان محیط اجتماعی جدید و یک زیستگاه ثانویه منشأ تبادل ارتباطات مختلفی در زمینه‌های گوناگون از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست، روابط شخصی و ... شده است و نقش پررنگی را در این زمینه دارد. اما علاوه بر فواید بسیاری که دنیای مجازی دارد از مضراتی که ممکن است داشته باشد نباید غافل شد. آنچه که شبکه جهانی وب را محبوب همه افراد کرده، برای گروه‌های مختلف بزهکار و نابزهکار ویژگی‌های یکسانی است. بنابراین ممکن است شخصی از این مجرا برای یک عمل خیرخواهانه یا پژوهشی استفاده کند و شخص دیگری از همین مجرا برای عملی ناشایست و منحرفانه بهره ببرد.

برخی ویژگی‌هایی که فضای مجازی را به عنوان زیست‌بوم جرم‌زا معرفی می‌کند به شرح زیر است:

فضای مجازی موجب شده که افراد با هویتی پنهان و بدون ترس از افشای اطلاعات خود به سمت مشاهده و یادگیری رفتارهای پرخطر روی آورند. مثلاً مردم در فضای مجازی چیزهایی را بیان می‌کنند که معمولاً در دنیای واقعی نمی‌گویند (نصرتی، ۱۳۹۶: ۱۸۲) یا افراد در دنیای مجازی چیزهایی را می‌بینند که از نگاه کردن آنها در دنیای واقعی شرم دارند. در واقع می‌توان گفت دنیای واقعی ویژگی‌هایی دارد که مانند یک کنترل عمل کرده و مانع برخی رفتارها می‌شود، در حالی که این موانع در دنیای مجازی وجود ندارد و جسارت افراد را در ارتکاب رفتار انحرافی افزایش می‌دهد. فضای مجازی مجالی است برای شکل‌گیری روابط اجتماعی نوین که امکان

گردهمایی کاربران را فراهم کرده هر چند که رابطه کاربران مجازی رابطه‌ای غیرمستقیم و با واسطه است. اما بسیاری از مطالعه‌کنندگان اینترنتی تمایل به استفاده از اصطلاح اجتماع برای کاربران مجازی را دارند (فتاحی، ۱۳۹۵: ۳۰). فضای مجازی با تشکیل شبکه اجتماعی مختلف امکان دورهمی و هم‌نشینی صدها میلیون کاربر را بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ فراهم می‌کند و روزبه‌روز به گسترش و تقویت این روابط می‌افزاید.

رایانه‌های دیجیتال از نظر تاریخی نسل جدید رایانه‌ها هستند که بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ استفاده از آنها در بریتانیا و آمریکا شروع شده و امروزه تلفن‌های کوچکی که در دست اکثر مردم است نمادی است برای پیشرفت عصر رایانه‌ای است. هر چند که جرقه اینترنت در سال ۱۹۶۰ زده شد اما تا پایان ۱۹۸۰ اینترنت در دسترس عموم نبود و از سال ۱۹۹۱ بود که شبکه بنیاد ملی علوم تصمیم به رفع موانع تجاری موجود در برابر استفاده از اینترنت گرفت (السان، ۱۳۹۹: ۱۹-۱۴). سپس شبکه‌های اجتماعی شکل گرفتند و به گسترش روابط میان انسان‌ها افزودند. پایگاه‌های اجتماعی مجازی را این‌گونه تعریف کرده‌اند؛ جامعه‌ای برخط که کاربران آن مجاز به اشتراک اطلاعات، تصاویر، فیلم‌ها و برقراری ارتباط با دیگران هستند (رضایی، ۱۳۹۶: ۱۵). بنابراین فضای مجازی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: محیطی که بسستر تعاملات غیر رودررو را در زمینه‌های مختلف در سطح وسیع و بدون محدودیت مکانی و زمانی فراهم می‌کند که مهمترین بُعد آن بُعد فرهنگی است، زیرا افراد با فرهنگ‌های مختلف در این فضا گرد هم می‌آیند و به هم‌نشینی و مصاحبت با یکدیگر می‌پردازند. در این باره جرم‌شناسان فرهنگی با برخورداری از دیدگاهی انتقادی و پست‌مدرنیستی از مفهوم هژمونی (سلطه‌گری) برای رسانه‌ها و فضای مجازی استفاده می‌کنند و آنها را اصلی‌ترین

ابزار برای تسلط گروهی بر گروه دیگر یا طبقه‌ای بر طبقات اجتماعی دیگر می‌دانند (آقایی، ۱۳۹۶: ۶).

زندگی انسان همواره با یادگیری عجین بوده است. با پیدایش فضای مجازی بخش مهمی از این یادگیری با این فضا همراه شده است. در بین نظریه‌های یادگیری، نظریه هم‌نشینی فرق‌دار^۱ ادوین ساترلند^۲ یکی از مشهورترین نظریه‌های تاریخ جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی محسوب می‌شود، ساترلند این نظریه را ابتدا در ویراست دوم کتابش یعنی *اصل‌های جرم‌شناسی* (۱۹۳۴) و سپس در ویراست‌های بعدی (۱۹۳۹ و ۱۹۴۷) معرفی، سازماندهی و روزآمد کرد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۵۴). نظریه ساترلند پیش از عمومی شدن دنیای اینترنت مطرح شد و در سال ۱۹۴۰ گسترش پیدا کرد. بنابراین در آن زمان که وی نظریه خود را مطرح کرد مبنای آن را بر یادگیری در دنیای واقعی بنا نهاده بود. از نظر ساترلند یادگیری رفتار مجرمانه با هم‌نشینی آغاز خواهد شد و در گروه خانواده و دوستان تقویت می‌شود و تابع همان روش‌های یادگیری رفتار عادی است. نکته اصلی نظریه این است که افراد به این علت کثرت رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنها از تماس‌های غیرانحرافی‌شان بیشتر می‌شود (رستمی و راد، ۱۳۹۲: ۶۱). بنابراین رفتار مجرمانه محصول معاشرت‌های فرد در طول زمان است.

نظریه هم‌نشینی فرق‌دار ساترلند بر مراحل یادگیری رفتار مجرمانه تأکید می‌کند که توسط مرتون^۳ فراموش شده بود (جهان‌بخش و ترکی هرچغانی، ۱۳۹۵: ۱۳۱). اما منظور از یادگیری رفتار مجرمانه صرفاً آموختن رفتاری است که برخلاف هنجارهای جامعه است اعم از آنکه پس از یادگیری آن رفتار به منصفه ظهور در عالم خارج از

1. Differential Association
 2. Edwin Sutherland
 3. Merton

ذهن برسد یا نرسد. بنابراین نباید مفهوم یادگیری را با ارتکاب رفتار مجرمانه خلط کرد. به عنوان مثال ممکن است هر فردی بنابر گفته ساترلند چنانچه در معرض تماس‌های مداوم و مدت‌دار با رفتاری مجرمانه قرار گیرد آن رفتار را بیاموزد. این فرد ممکن است یک پزشک، استاد دانشگاه، فردی عادی، بزهکار یا ناکرده‌بزه باشد. بنابراین یادگیری رفتار مجرمانه همواره با بروز و ظهور آن رفتار همراه نخواهد بود. هم‌نشینی در فضای مجازی عبارت است از تعامل و ارتباطی که یک فرد با دیگران در بستر فضای مجازی برقرار می‌کند. بنابر اهمیتی که شناخت چگونگی یادگیری رفتار مجرمانه در بستر تعاملات مجازی دارد؛ پژوهش‌های مختلفی در ایران و جهان انجام شده است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

آقایی در پژوهشی با عنوان «رسانه و جرم از منظر جرم‌شناسی فرهنگی» بر میزان تأثیرگذاری رسانه‌های جمعی بر جرم و به طریق اولی فضای مجازی به وسیله تبلیغ تأکید کرده است (آقایی، ۱۳۹۶).

همچنین در پژوهشی دیگر با عنوان «فضای مجازی هم‌نشینی و رفتارهای پرخطر مطالعه رابطه هم‌نشینی دانشجویان در فضای مجازی با رفتارهای پرخطر در فضای واقعی و مجازی» ثابت شده که میان هم‌نشینی مجازی و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد و هم‌نشینی افراد خردسال و بزرگسال آثار مخربی را به همراه خواهد داشت (عباسی شوازی، معینی و پوریان، ۱۳۹۷: ۱۰۴-۷۷).

در پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان به پژوهش پاتل و همکاران (۲۰۱۴) با عنوان «رسانه اجتماعی حامل و مسیری برای خشونت جوانان» و پژوهش آختنبرگ (۲۰۰۶) با عنوان «رسانه‌های گروهی و تأثیر بر ذهن جوانان» اشاره کرد که به الگوبرداری جوانان از رسانه‌ها و تأثیراتی که بر آنان می‌گذارد، تأکید شده است (همان: ۸۸).

مسئله اصلی تحقیق پیش رو این است که آیا نظریه ساترلند در مورد هم‌نشینی

و یادگیری رفتارهای مجرمانه قابل تعمیم به فضای مجازی هست؟ و اگر چنین است انتقال رفتار مجرمانه چگونه در فضای مجازی منتقل شده و چه آثاری را در پی خواهد داشت؟ هدف این است که با بررسی این موضوع با یادگیری رفتار مجرمانه مجازی آشنا شویم تا در پژوهش‌هایی که بعدها انجام می‌شود در زمینه راهکارهای مقابله با یادگیری رفتار مجرمانه کمک مؤثری صورت گیرد. در این راستا مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از ابراز کتابخانه‌ای به توصیف و تحلیل نظرات و دیدگاه‌های موجود می‌پردازد و دیدگاه نگارندگان نیز نسبت به آنها ارائه می‌شود. بر این اساس، فرضیه اصلی نگارندگان با این گزاره قابل تبیین است که یادگیری رفتار مجرمانه نه تنها قابل تعمیم به فضای مجازی است بلکه به مراتب با قدرت و تأثیرگذاری بیشتری صورت می‌گیرد و افراد با تأثیرپذیری از فضای مجازی موجب انتقال رفتار مجرمانه می‌شوند و پیامدهای ناگواری را برای خود، خانواده و اجتماع رقم می‌زنند. ساختار مقاله بر سه محور استوار است. اول فرایند یادگیری رفتار مجرمانه مجازی را بررسی می‌کند. دوم به کنش فضای‌های واقعی و مجازی در خلق جرم می‌پردازد و در نهایت به تحلیل آثار هم‌نشینی فرق‌دار در فضای مجازی یا سایبر پرداخته است.

۱. فرایند یادگیری رفتار مجرمانه مجازی

نظریه ساترلند مبتنی بر این پیش‌فرض است که جرم، آموختنی است. بنابراین او از عقاید جبرگرایانه جرم‌شناسی اثباتی^۱ سنتی که اعتقاد به ارثی بودن جرم دارد فاصله می‌گیرد. این در حالی است که در جرم‌شناسی کلاسیک^۲ که شامل عدالت مطلق و

1. Positivist Criminology

2. Classical Criminology

اصالت سودمندی است، گرایش به جبر در رفتار مجرمانه بیشتر به چشم می‌خورد. البته برخی نیز مانند ژان ژاک روسو^۱ با جبر مخالف بودند و برخی هم مانند امانوئل کانت^۲ با بیان نظریه جزیره متروک معتقد به موضوعیت داشتن مجازات‌ها بودند و عده‌ای همچون سزار بکاریا^۳ به حتمیت و قطعیت مجازات اعتقاد داشتند. در مکتب کلاسیک‌ها تفکر غالب به جبر گرایش دارد. اما در جرم‌شناسی نئوکلاسیک^۴ که پایه‌گذاران آن گیزو،^۵ روسی^۶ و اورتولان^۷ هستند اعتقاد بر این است که انسان دارای اراده آزاد است. هر دو مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک با تأکید بر مجازات‌ها تفاوت آشکاری با مکتب اثباتی دارند که بر شخصیت مجرم و ویژگی‌های جسمانی که لومبروزو^۸ بیان می‌کند (مجرم بالفطره) اتکا دارد، اما ساترلند با دیدی فراتر از این موضوعات به بررسی جرم و علل وقوع آن می‌پردازد و در واقع او جرم را پدیده‌ای اکتسابی می‌داند. براساس نظریه ساترلند، فرایند یادگیری رفتار مجرمانه تابع یادگیری سایر رفتارهای عادی است. بنابراین همان‌گونه که یک شخص با دیدن عمل مکانیکی آن را می‌آموزد با دیدن یک رفتار مجرمانه مانند سرقت آن رفتار را فرامی‌گیرد.

در دنیای مجازی نیز فرایند یادگیری رفتار مجرمانه مانند همان فرایندهای یادگیری در دنیای واقعی است؛ البته عده‌ای از جمله کرسی^۹ معتقدند که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه در نظریه ساترلند به خوبی مشخص نشده است و ردپایی

-
1. Jean-jacques Rousseau
 2. Immanuel Kant
 3. Cesare Beccaria
 4. Neo-classical Criminology
 5. Guizot
 6. Rossi
 7. Ortolan
 8. Lombroso
 9. Cressey

از وجود تمام شرایط فرایند یادگیری رفتار مجرمانه در دسترس نیست (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۴۶). باین حال می‌توان استدلال کرد که فرایند یادگیری رفتار مجرمانه در ارکان نه‌گانه نظریه ساترلند قابل درک است، هرچند به وضوح تبیین نشده باشد. بنابراین فرایند یادگیری یک رفتار انحرافی همانند یادگیری یک رفتار عادی خواهد بود و فضای مجازی به عنوان یکی از ابعاد زندگی روزمره انسان نقش مهمی را در یادگیری این رفتارها اعم از رفتارهای سالم و ناسالم دارد و با شناخت فرایند یادگیری رفتار عادی، یادگیری رفتار مجرمانه نیز شناخته خواهد شد. مثلاً برخی دیدگاه‌ها در مورد یادگیری وجود دارد از جمله دیدگاه رفتاری و دیدگاه اجتماعی که یادگیری یک رفتار عادی را تبیین می‌کند ولی بنابر اعتقاد ساترلند قابل تعمیم به یادگیری رفتار مجرمانه نیز است. در دیدگاه رفتاری یادگیری چیزی جز عادات یک فرد به یک رفتار نیست و عنصر تفکر اساساً نقشی در یادگیری ندارد و در دیدگاه اجتماعی فرایند یادگیری ناشی از تعامل مستمر فرد با محیط اجتماعی است (بردبار و حسینی فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۶).

در خصوص تعامل مستمر با افراد و تأثیرپذیری از آنها هم برخی گفته‌اند شما شبیه همان کسی می‌شوید که با او وقت می‌گذرانید (Janković and Peshić, 1981: 66). این سخن قابل انتقاد است زیرا بدون تردید یادگیری با هم‌نشینی آغاز می‌شود، اما صرف هم‌نشینی منجر به یادگیری نخواهد شد و سایر ارکان نظریه ساترلند نیز باید وجود داشته باشد تا یادگیری رفتار مجرمانه کامل شود. بنابراین ورود به یک گروه مجازی هرچند که یک گروه مجرمانه باشد، منجر به فراگیری رفتارهای مجرمانه موجود در آن محیط نخواهد شد. چنان که نظریه‌های یادگیری را قسمتی از جامعه‌شناسی جرم دانسته‌اند که تأکید آن بر نقش آموختن در بروز رفتارهای مجرمانه است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

بعد از هم‌نشینی، نوبت به برقراری تماس با افراد دیگر می‌رسد. در این تماس هم‌نشینان فرد هنجارهای قانونی و اجتماعی را اموری تعریف می‌کنند که یا درست است یا درست نیست و فرد این تعاریف را از آنها فراخواهد گرفت. برای مثال در دوره‌های ممکن است در خصوص تعرض به اموال دیگران چنین تلقی شود که سرقت اموال افراد متمول جایز است چون که آنها دارایی بسیاری دارند و با سرقت اموالشان فشار اقتصادی به آنها وارد نمی‌شود. بنابراین هنجار مربوط به عدم تعرض به اموال دیگران در نزد گروه نادرست و به جای آن سرقت اموال صحیح تشخیص داده می‌شود. در حالی که نفس این عمل مجرمانه و تفسیر آنها نادرست است.

هم‌نشینی نقش گسترده‌ای در یادگیری رفتارها خواهد داشت و در واقع می‌توان گفت رسانه‌های جمعی و در رأس همه، فضای مجازی همانند هوایی که تنفس می‌کنیم در هر موقعیتی وجود دارد (کروتی و هوینز، ۱۳۹۱: ۲۷) و بر استمرار این هم‌نشینی‌ها می‌افزاید. از این‌رو دنیای مجازی در یادگیری رفتار مجرمانه نقش بسزایی دارد. در این میان مشاهده رفتار مجرمانه دیگران و پیامدهای آن نقش بسزایی در یادگیری رفتار مجرمانه و اجرای آن خواهد داشت، چنانچه عمده یادگیری هم در دنیای واقعی و هم در فضای مجازی از طریق همین مشاهدات انجام می‌شود. اگر پیامدهای مشاهده شده مثبت تفسیر شوند، احتمال وقوع بزهکاری بیشتر است (Wright and Miller, 2005: 396). بنابراین فرد با مشاهده بزهکاری و عواقب آن رفتارهای بزهکارانه ایجاد می‌کند مانند زمانی که فرد از رهگذر ارتکاب یک عمل مجرمانه احساس رضایت کرده و یا سودی عاید او شود.

آلبرت بندورا^۱ به عنوان یکی از نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی معتقد است رفتارهای خشونت‌آمیز مادرزادی نیستند؛ بلکه فراگرفته می‌شوند و کودکان با

1. Albert Bandura

مشاهده رفتارهای خشونت‌آمیز، رفتارهای دیگران را می‌آموزند (آقایی، ۱۳۹۶: ۳۰). این در حالی است که فضای مجازی به عنوان مهمترین محیط اجتماعی اقدام به نشر و پخش رفتارهای خشونت‌آمیز می‌کند. بنابراین نمی‌توان نقش فضای مجازی را در یادگیری این رفتارها نادیده انگاشت. کودکان و نوجوانان با الگو گرفتن از این رفتارها در فضای مجازی درصدد تکرار آنها برخواهند آمد؛ شاید بتوان گفت که به نوعی تقلید از رفتار دیگران صورت خواهد گرفت، همان‌گونه که نظریه پرداز برجسته گابریل تارد^۱ بیان کرده که رفتارهای مجرمانه را افراد از دیگران تقلید می‌کنند که بعداً پایه و اساس نظریه ساترلند قرار گرفت.

۱-۱. زیست‌بوم جرم‌زای مجازی^۲

وجود یک زیست‌بوم جرم‌زا در فرایند یادگیری رفتار مجرمانه نقش مهمی دارد. ساترلند بیان می‌دارد که رفتار مجرمانه در گروه‌های کوچک مانند خانواده و همسالان آموخته می‌شود. در واقع می‌توان گفت محیط خانواده و گروه همسالان یک زیست‌بوم کوچک است که یادگیری در آن رخ می‌دهد و امروزه فضای مجازی به‌عنوان یک زیست‌بوم بسیار بزرگ‌تر و گسترده‌تر و البته زیست‌بوم غالب برخی افراد در یادگیری رفتارها نقش مهمی را ایفا می‌کنند. آنچه که موجب تبدیل فضای مجازی به عنوان یک زیست‌بوم جرم‌زا می‌شود، ویژگی‌هایی است که در تقویت نظریه ساترلند نقش مهمی را ایفا می‌کند. وی معتقد بود گروه‌های نامتجانس در فراوانی، شدت، مدت، اولویت و تکرار جرم متفاوت‌اند و تمام ویژگی‌هایی که ساترلند در مورد گروه‌های مجرمانه بیان کرده است، در فضای مجازی نیز وجود دارند. به خصوص متغیر مدت که امروزه بخش عمده‌ای از زمان افراد در فضای مجازی را به خود اختصاص داده

1. Gabriel Tarde

2. Cyber-criminal Ecology

است. عنوان زیست‌بوم جرم‌زای مجازی شبیه نظریه زیست‌بوم انسانی رابرت پارک^۱ است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۴۰). بنابراین فردی که در یک زیست‌بوم انسانی مجرمانه از دیدگاه رابرت پارک زندگی می‌کند با الگوپذیری از افراد مجرمی که در این محیط‌ها زندگی می‌کنند و با چیرگی تعریف‌های موافق با قانون‌شکنی بر تعریف‌های مخالف که از ارکان نظریه ساترلند است به سمت جرم سوق پیدا خواهد کرد. این در حالی است که می‌توان محله‌های مجرمانه مدنظر رابرت پارک به اسم «محله‌های چینی»^۲ را تشبیه به سایت‌هایی کرد که حاوی محتوای مجرمانه است و فرد در برخورد با آنها و بدون هیچ‌گونه نظارتی تحت تأثیر سایت‌هایی قرار می‌گیرد که قانون‌شکنی را رواج می‌دهند.

طبق نظریه پیوند افتراقی ساترلند رفتار مجرمانه لزوماً در تماس مستقیم با مجرمان آموخته نمی‌شود، بلکه از طریق خواندن کتاب، مطبوعات یا تماشای فیلم نیز امکان آموختن وجود دارد (Maloku, 2020: 172). در فضای مجازی نیز ارتباطات به صورت غیرمستقیم است و کاربر فضای مجازی با برقراری تماس با هزاران نفر از اشخاص که حتی آنها را نمی‌شناسد بدون هیچ محدودیت مکانی و زمانی رفتارهای آنها را در قالب فیلم، عکس و نوشته فرامی‌گیرد. بنابراین زیست‌بوم بر رفتار انسان دارای اثری است که محصول و ساخته خود انسان است، یعنی خودش آن را می‌سازد و متقابلاً از آن هم تأثیر می‌پذیرد. فضای مجازی با پُر کردن زندگی برخی انسان‌ها به فضای غالب زندگی بدل شده و این امر بسیار خطرناکی است که فردی در دنیای غیرواقعی هرچند به عنوان سرگرمی به نشر، پخش و مشاهده تصاویر مجرمانه اقدام کند. بنابراین شدت و مدت تماس‌ها در هم‌نشینی‌های مجازی می‌تواند به مراتب

1. Robert E. Park

2. Chinese Town

بیشتر از هم‌نشینی‌های واقعی باشد و این امر تقویت‌کننده نظریه ساترلند است که اعتقاد دارد یادگیری رفتار مجرمانه به شدت، مدت و کیفیت تماس‌ها بستگی دارد.

۲-۱. ارتباطات و تعاملات مجازی

ارتباط و تعامل با فضای مجازی نقش اساسی در فرایند یادگیری رفتار مجرمانه دارد، زیرا تا چنین ارتباطاتی نباشد رفتاری نیز آموخته نخواهد شد. در واقع تعامل و ارتباط خانوادگی و ارتباط با گروه همسالان که مورد نظر ساترلند بود جای خود را اکنون به تعاملات و ارتباطات گروهی مجازی، گروه‌های خانوادگی مجازی، گروه دوست‌ستان و حتی گروه‌های ناشناخته مجازی داده است. همچنان که در آن نظریه مطرح است رفتارهای مجرمانه در تعامل با دیگران آموخته می‌شود. این ارتباط در گروه‌های کوچک خانواده، گروه همسالان و ... موجب فراگیری رفتارهای مجرمانه می‌شود و امروزه حتی خود اعضای خانواده اغلب در فضای اینترنت به سر می‌برند و جذابیت آن و بالا بودن سرعت تبادل اطلاعات و ارتباطات موجب گرایش روزافزون افراد به سمت اینترنت شده است. مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۶ آماری را در مورد برخورداری خانوارهای کشور و استفاده از اینترنت منتشر کرده که نشان‌دهنده افزایش تعداد کاربران اینترنتی است (amar.org.ir). در این آمار ۷۲/۸ درصد از شهرنشینان و ۵۷ درصد از روستاییان از اینترنت بهره می‌برند که افزایش چشمگیری در بین هر دو گروه نسبت به سال‌های گذشته داشته است. همچنین خانوارهای شهرهای بوشهر، تهران و خوزستان بیشترین استفاده‌کنندگان را به خود اختصاص داده‌اند و شهر تهران نیز بیشترین استفاده فردی از اینترنت را به خود اختصاص داده است.

در گذشته بیشتر استفاده‌کنندگان اینترنت، پژوهشگران و دانشگاهیان بودند. اما امروزه اینترنت نه تنها به عنوان یک ابزار پژوهشی بلکه به یک ابزار سرگرمی، انحرافی

و حتی مجرمانه (در ارتکاب جرائم رایانه‌ای) تبدیل شده است. حضور گسترده کاربران اینترنتی و شبکه‌های مختلف مجازی موجب تجمیع افراد مختلفی با فرهنگ‌ها و عقاید متفاوت شده است که هر یک با ارزش‌های مختلف در پی نشر، پخش و جذب افراد دیگر به ارزش‌های مورد نظر خود هستند و اینجاست که بنابر عقیده ساترلند، تعارض فرهنگ‌ها و ارزش‌ها در فضای مجازی شکل می‌گیرد و در نهایت با توالی تعارض این ارزش‌ها جرم محقق می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۴۲).

بنابراین شاید بتوان گفت علت بسیاری از جرائم در دنیای امروزی که فضای مجازی نقش برجسته‌ای در آن دارد، تعارض فرهنگ‌هاست، به این ترتیب که نشر و پخش یک رفتار انحرافی در دنیای مجازی شاید از نظر برخی فرهنگ‌ها انحرافی تلقی شود در حالی که برای فرهنگ دیگر ارزش باشد. برای مثال استعمال ماری جوانا در بعضی کشورها (مثل برخی ایالات در آمریکا) آزاد است ولی در ایران یک رفتار انحرافی و جرم تلقی می‌شود. وجود محتوایی در مورد استعمال مواد مخدر در فضای مجازی که توسط کاربر غیرایرانی بارگذاری شده برای کاربر ایرانی ضد ارزش است. با نشر، پخش مستمر و مشاهده آن توسط کاربر ایرانی قبح خود را از دست می‌دهد و گرایش فرد به این رفتار انحرافی بیشتر می‌شود، در حالی که پیش از آن کاربر ایرانی از عادی بودن رفتار منحرفانه در سایر فرهنگ‌ها اطلاعی نداشته و فقط با مشاهده رفتار را می‌آموزد. در پژوهشی ثابت شد که ارتکاب یک رفتار انحرافی زمینه‌ساز ارتکاب سایر رفتارهای انحرافی است (ایار، نظری و خانی، ۱۳۹۳: ۴۱).

بر این اساس تکثر رفتارهای انحرافی پیرامون یک فرد به بروز رفتار انحرافی توسط وی و پیشرفت این رفتارها منجر خواهد شد، چیزی که در فضای مجازی کاملاً به چشم می‌خورد و به خصوص در نوجوانانی که ارتباط مستمر با فضای مجازی دارند، تشدید می‌شود. نوجوانان آینده‌سازان هر کشور محسوب می‌شوند و محیط اطراف می‌تواند

تأثیرات زیادی را بر روی آنها بگذارد که حتی در دوران بزرگسالی نیز باقی بماند. این در حالی است که تأثیر رسانه‌های مجازی از خانواده، مدرسه و گروه همسالان نیز بیشتر است (حیدری و شیرانی، ۱۳۹۶: ۴). آنچه در تعامل با فضای مجازی اتفاق می‌افتد و فرد را به سوی انحراف می‌کشد جایگزینی باورهای جدید به جای باورهای سنتی است، باورهایی که بدون هیچ‌گونه پشتوانه و پیشینه‌ای فرد را احاطه می‌کند. البته این باورها وقتی در فرد نهادینه خواهد شد که ارتباط با فضای مجازی توسط فرد استمرار داشته باشد. بنابراین نخستین و مهمترین آسیبی که امروزه شاهد آن هستیم تأثیرپذیری از فرهنگ‌های مختلف در فضای مجازی است، زیرا بسیاری از مردم آنچه را که در اینترنت می‌بینند به عنوان ملاک و معیار می‌پذیرند به همین جهت مردم کشورهای مختلف از زندگی مردم سایر کشورها الگو برداری کرده و مطابق آن عمل می‌کنند.

۳-۱. چگونگی انتقال رفتار مجرمانه

آنچه موجب انتقال رفتار مجرمانه^۱ مجازی می‌شود، تأثیرپذیری فرد از گروه همسالان و خانواده است که موجب انتقال رفتار از آنها به فرد خواهد شد. برای مثال کودک در محیط خانواده با دیدن رفتار خشونت‌آمیز والدین خشونت را می‌آموزد و با شنیدن الفاظ ناشایست آن را یاد می‌گیرد یا مثلاً یک نوجوان با دیدن رفتار یکی از دوستان خود که اقدام به سرقت از یک مغازه می‌کند رفتار او را خواهد آموخت و تحت تأثیر رفتار مجرمانه همسالان خود قرار خواهد گرفت. علاوه بر آن فرد روش‌ها، انگیزه‌ها و سائق‌ها را نیز در این ارتباطات می‌آموزد. اما باید دانست که امروزه تأثیرپذیری از فضای مجازی بسیار بیشتر از محیط خانواده و گروه همسالان است. این تأثیرپذیری می‌تواند با توجه به سن و سال و برداشت‌های مختلف اشخاص در موقعیت‌های گوناگون رفتارهای مختلفی را سبب شود.

علاوه بر این، رفتارهای مجرمانه و منحرفانه‌ای که در فضای مجازی نشر و پخش می‌شوند، فقط با یک کلیک کردن می‌توانند قابل آموختن و یادگیری باشند. مثلاً فیلم‌های مربوط به نحوه ساخت وسایل آتش‌زا و بمب‌های دستی در رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی (مانند اینستاگرام و تلگرام) وجود دارد که مخاطبان با دیدن آنها این رفتارها را می‌آموزند. چیزی که پیش از آن هرگز حتی اسم آن را هم نشنیده بودند به خصوص در سنین پایین که تأثیرپذیری بسیار بیشتر است. در واقع فضای مجازی هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم در بزهکاری کودکان و نوجوانان مؤثر است (چان و چان، ۱۳۹۲: ۱۳).

امروزه گروه‌های مورد نظر ساترلند مانند خانواده و دوستان و همسالان در محیط واقعی به گروه‌های مجازی و چت‌روم‌ها تبدیل شده‌اند، ولی با تأثیرگذاری به مراتب بیشتر از فضای واقعی، با هم‌نشینی در این محیط‌ها و گروه‌ها رفتارهای انحرافی و مجرمانه نیز به فرد منتقل می‌شود. در پژوهشی ثابت شده است که بین استفاده از وسایلی مانند موبایل و اینترنت با رفتارهای پرخطر در فضای مجازی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و تأثیر هم‌نشینی‌های مجازی به رفتارهای پرخطر، بسیار بیشتر از هم‌نشینی در فضای واقعی است (عباسی شوازی، معینی و پوریان، ۱۳۹۷: ۷۷).

از مهمترین عواملی که باعث انتقال رفتار مجرمانه به فرد خواهد شد، تلاش برای برآوردن انتظارات گروه همسالان است که با عضویت در خرده‌فرهنگ‌ها به صورت انحراف گروهی بروز می‌کند (کوئن، ۱۳۹۵: ۷۷)؛ یعنی انتقال رفتار انحرافی از گروه به فرد که ابتدا دعوتی از سوی یک یا چند تن از افراد گروه برای ارتکاب رفتاری صورت می‌گیرد که حتماً هم نباید به صورت گفتاری باشد بلکه امروزه گروه‌های مجازی با بارگذاری رفتارهای منحرفانه خود در فضای مجازی به صورت تصویری همسالان خود را دعوت به آن رفتار می‌کنند و به اصطلاح آنها را دعوت به یک چالش

می‌کنند چیزی که در فضای اینستاگرام هم دیده می‌شود. بنابراین فرد با برآوردن این انتظار، رفتار مجرمانه را آموخته و سعی در اجرایی کردن آن می‌کند. اگر محیط مجازی به عنوان یک محیط اجتماعی که موجب انتقال رفتارهای مجرمانه می‌شود در نظر گرفته شود، با نظریه تقویت فرق دار^۱ آکرز^۲ نیز منطبق خواهد بود که براساس آن محیط اجتماعی را به‌عنوان مهمترین تقویت‌کننده رفتارهای انحرافی می‌داند و معتقد است رفتارهای انحرافی در گروه‌هایی آموخته می‌شود که منبع اصلی تقویت آن فرد محسوب می‌شوند (ایار، نظری و خانی، ۱۳۹۳: ۴۷).

۲. کنش فضای‌های واقعی و مجازی در خلق جرم

هر یک از محیط‌های واقعی و مجازی به نوبه خود در ایجاد رفتارهای مجرمانه نقش دارند. برخی از رفتارهای مجرمانه مختص فضای واقعی است و در فضای مجازی قابل وقوع نیستند مانند جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص که مستلزم حضور فیزیکی بزه‌دیده است (البته در مواردی که جرائم به صورت معاونت محقق می‌شوند ممکن است معاون حضور فیزیکی نداشته باشد و مثلاً در فضای مجازی اقدام به تحریک شخصی برای ارتکاب قتل کند و یا در مورد صغیر غیرممیز که توسط شخص کبیر تحریک به قتل دیگری یا خودکشی می‌شود که در اینجا سبب اقوا از مباشر بوده و به مجازات قتل محکوم می‌شود در حالی که حضور فیزیکی در صحنه قتل نداشته است. اما باید توجه کرد در این موارد منظور همان حضور فیزیکی مرتکب و نفس عمل مجرمانه است که به آن توجه شده و در فضای مجازی حضور فیزیکی وجود ندارد و کسی نمی‌تواند در داخل فضای سایبر مرتکب قتل شود هرچند که می‌تواند

1. Differential Reinforcement

2. Akers

مثلاً اقدام به تحریک و یا ترغیب موضوع ماده (۷۴۳) قانون جرائم رایانه‌ای کند اما خودش مرتکب قتل نشده هرچند که ممکن است مجازات قتل را برای وی در پی داشته باشد ولی کسی نمی‌گوید او در فضای مجازی مرتکب قتل شده است). برخی جرائم هم مختص فضای سایبری است مانند جرائم رایانه‌ای از جمله سرقت رایانه‌ای که در آن داده‌های موجود در رایانه یک شخص توسط دیگری به سرقت می‌رود، اما کنش میان فضای مجازی و واقعی در تولید جرم مسئله‌ای انکارناپذیر است. افراد با ارتکاب جرم در فضای واقعی و به اشتراک‌گذاری آن در فضای واقعی، جرم را به جستجوکنندگان آن می‌آموزند و از این طریق در تولید جرم نقش آفرینی می‌کنند. بازیگران تولیدکننده جرم در هر دو فضا نقش مهمی را در تولید جرم برعهده خواهند داشت. شلدون^۱ معتقد است در فضای واقعی مزومورف‌ها^۲ (ستبرتنان) بیشتر به شخصیت جانی‌ها شبیه هستند (کوئن، ۱۳۹۵: ۲۷۵). در گونه‌شناسی ریخت‌شناسانه شلدون علاوه بر مزومورف‌ها، اندومورف‌ها^۳ (فربه‌تنان) و اکتومورف‌ها^۴ (کشیده‌تنان) نیز وجود دارند که برحسب گونه‌شناسی تنی (جسمی) تقسیم شده‌اند. اما در پژوهش‌هایی که انجام شده فقط نشان داده شد که میان ستبرتنی و جرم همبستگی وجود دارد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۱۰۲). اما در فضای مجازی نقش هر یک از گروه‌های فوق در تولید محتوای مجرمانه بستگی به میزان فعالیت، مدت تماس با فضای مجازی و نوع محتوایی که آنها به دنبالش هستند دارد. همچنین گفته شده که بین جنس و کجروی رفتاری رابطه معناداری وجود دارد، زیرا زنان به دلیل فعالیت کم در بیرون از منزل معمولاً از فضای مجازی به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای

-
1. Sheldon
 2. Mesomorph
 3. Endomorph
 4. Ectomorph

حضور در عرصه‌های اجتماعی به‌طور مداوم استفاده می‌کنند. این عبارت نمی‌تواند در مورد یادگیری رفتار مجرمانه در فضای سایبر صدق کند زیرا همان‌گونه که در مورد گروه‌های مورد نظر شلدون گفتیم در اینجا نیز یادگیری رفتار مجرمانه تابع مدت تماس‌ها، شدت آنها و نوع محتوا و موارد دیگری است.

علاوه‌بر این بین میزان فعالیت افراد با بزهکاری نیز رابطه معناداری وجود دارد، زیرا هر چقدر میزان فعالیت در بیرون از منزل بیشتر باشد افراد به فضای مجازی گرایش کمتری خواهند داشت یا به عبارت دیگر کمتر وقت خود را صرف فضای مجازی می‌کنند؛ یعنی ممکن است شخصی فعالیت کاری داشته باشد مانند یک کارمند یا کارگر و درعین حال در مواقعی که با مترو سر کار می‌رود یا در موقع استراحت کوتاه به فضای سایبر سری بزند اما گاهی مشاهده می‌شود که افراد بدون شغل ساعات زیادی را در فضای مجازی به سر می‌برند. بنابراین اگر برای یک شخص شاغل فعالیت در فضای سایبر مثلاً سه ساعت باشد ممکن است برای یک شخص غیرشاغل هفت ساعت باشد. درعین حال ممکن است شخصی که فعالیت کوتاهی دارد هدف مجرمانه‌ای داشته باشد که در همان مدت کوتاه به آن دست یابد و یا ممکن است کسی هم که فعالیت زیادی دارد هدف نادرستی را دنبال نکند و حتی جهت پیشرفت بیشتر و یا فعالیت اقتصادی از این فضا استفاده کند، بنابراین هدف دنبال‌کننده فضای مجازی نیز مهم است. اما از باب غالب می‌توان گفت هر چقدر ارتباط با فضای مجازی مدت بیشتری داشته باشد و هدف دنبال‌کننده نیز مجرمانه باشد بیشتر در معرض یادگیری رفتار مجرمانه و انتقال آن قرار می‌گیرد. در نتیجه به یکی از ارکان نظریه ساترلند در مورد مدت تماس‌هایی که یک فرد با محیط مجرمانه دارد، پی می‌بریم. یعنی هرچه میزان فعالیت‌های فرد در محیط واقعی بیشتر باشد (به شرط آنکه در ارتباط با محیط مجرمانه نباشد) مدت زمان تماس وی با محیط مجازی کمتر بوده

و در نتیجه یادگیری جرم نیز کاهش می‌یابد و به تبع آن ارتکاب جرم و در نهایت تولید جرم کاهش می‌یابد.

۱-۲. تفاوت‌های یادگیری مجازی و واقعی

محیط مجازی ویژگی‌هایی دارد که آن را از محیط واقعی متمایز می‌کند. به همین دلیل گرایش افراد به محیط مجازی و یادگیری در این محیط بیشتر است، زیرا این محیط مرز جغرافیایی نداشته و بُعد مسافتی در آن معنا ندارد. بنابراین اگر شخصی قبلاً مجبور بود برای یادگیری درباره موضوعی از جایی به جای دیگر برود امروز؛ از طریق شبکه اینترنتی می‌تواند آن را فراگیرد.

در فضای مجازی هر چیز را می‌توان به اشتراک گذاشت و این مزیتی است که بیشتر از هر جای دیگر قابل مشاهده است و ارتکاب جرم در فضای سایبر بسیار راحت‌تر از فضای واقعی خواهد بود و افراد با فضای رسانه‌ای و سواد اندک می‌توانند مجرمان بالقوه شوند. بنابراین در عصر دنیای مجازی با استفاده از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهایی که در دسترس همه است می‌توان به راحتی مرتکب جرم شد و اقدام به نشر، پخش و آموزش آن به صورت گسترده کرد. علاوه بر این فضای مجازی با جذابیتی که دارد انگیزه‌های مختلفی را در افراد مختلف ایجاد می‌کند و افراد با سلايق مختلف را به سوی خود جذب می‌کند بعضی افراد با انگیزه کسب علم و بعضی با انگیزه انحرافی و بعضی با انگیزه سرگرمی وارد محیط مجازی می‌شوند اما همگی در خطر یادگیری رفتارهای انحرافی خواهند بود، زیرا هیچ‌گونه کنترلی در فضای مجازی وجود ندارد جز گرایش و انتخاب خود فرد به ارتکاب یا عدم ارتکاب به رفتارهای مجرمانه و یادگیری آنها؛ در نتیجه فرصت‌های مجرمانه بسیاری در فضای واقعی در دسترس همه گروه‌های بزهکار و ناکرده بزه قرار می‌گیرد که با نظریه فعالیت روزانه هماهنگی دارد و از آنجاکه این نظریه به تبیین نقش فرصت‌های مجرمانه می‌پردازد

و برای آماج آسیب‌پذیر اصالت ویژه‌ای در تکامل رفتار مجرمانه قائل است به افزایش درک ما از رفتار مجرمانه در فضای سایبری حتی بیش از فضای واقعی کمک می‌کند. ویژگی‌هایی مانند ناشناخته و مخفی بودن هویت در فضای مجازی سبب خواهد شد تا بزه‌کاران و حتی کسانی که قبلاً منحرف نبوده‌اند به ارتکاب جرم تحریک شوند. بالا بودن سرعت تبادل اطلاعات، دسترسی آسان و با هزینه اندک یادگیری در هر زمان و مکانی و امکان بازبینی مجدد ارتباطات از جمله ویژگی‌های فضای مجازی است که یادگیری در این فضا را از یادگیری در دنیای واقعی متمایز می‌کند. در این باره جایشانکار در تئوری انتقال فضای^۱ خود بیان می‌دارد افراد با رفتار مجرمانه سکوب شده در فضای فیزیکی تمایل به ارتکاب جرم در فضای مجازی دارند، زیرا به دلیل جایگاه و موقعیتی که دارند در فضای فیزیکی مرتکب جرم نمی‌شوند (Jaishankar, 2007: 7). بنابراین ویژگی ناشناخته بودن در فضای مجازی موجب خواهد شد افرادی که تمایل به ارتکاب جرم دارند اما به دلایلی مانند موقعیت و شناخته شدن، از ارتکاب آن در دنیای واقعی اجتناب می‌کنند در نهایت در زمانی در فضای مجازی اقدام به ارتکاب جرم کنند. به عقیده وی فرصت فرار در دنیای سایبری بیش از دنیای واقعی است.

۲-۲. سرایت متقابل رفتارهای مجرمانه مجازی و واقعی

جرم و جنایت آنلاین ممکن است به‌طور بالقوه به جرم و جنایت در دنیای واقعی مرتبط باشد. همچنین رفتارها و تجربیات دنیای واقعی را می‌توان به دنیای مجازی منتقل کرد (Lee, 2015: 18). یادگیری کژروی‌های مجازی ممکن است به بروز رفتار مجرمانه در فضای واقعی منجر شود. به عنوان مثال شخصی که با انگیزه یادگیری رفتار مجرمانه مانند سرقت یا رفتارهای جنسی اقدام به جستجوی آنها در اینترنت و دنیای

1. Space Transition Theory

مجازی می‌کند سعی می‌کند عیناً آن رفتارها را به نمایش گذارد. البته بین یادگیری رفتار مجرمانه و اجرایی کردن آن ممکن است مدت مدیدی بگذرد و فاصله ایجاد شود که این امر می‌تواند در انگیزه ارتکاب آن رفتار تأثیرگذار باشد و در کیفیت آن رفتار مجرمانه مؤثر واقع شود. ساترلند بیان می‌کند یادگیری رفتار مجرمانه تابع مدت، کیفیت و تعداد و دفعات تماس با رفتار مجرمانه است. به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها علاوه بر مقدمات یادگیری برای بعد از یادگیری نیز تا زمان اجرایی شدن رفتار مجرمانه لازم باشد. بنابراین هر چقدر فاصله بین یادگیری رفتار مجرمانه با اجرایی کردن آن بیشتر باشد احتمال عملی شدن آن رفتار نیز کمتر است یعنی فاصله بین تصمیم به ارتکاب تا اجرای آن رفتار بسیار حائز اهمیت است، هرچند در بعضی موارد مانند قتل‌های سریالی، دیده شده که فاصله بین تصمیم به عمل تا انجام قتل مؤثر در عدم اقدام به قتل نبوده و حتی پس از ماه‌ها یا سال‌ها شخص جانی مجدداً مرتکب قتل شده است که شاید دلیل آن رفع نیاز نباشد (آنچنان که در رفتارهای مجرمانه دیگر موردنظر است) و به دلیل اختلال روانی فرد قاتل اقدام به قتل می‌کند. به عنوان مثال در بزه‌ای مثل سرقت وقتی مرتکب برای رفع نیاز مالی اقدام به سرقت می‌کند؛ اگر فاصله بین تصمیم وی تا ارتکاب سرقت زیاد شده و در این بین نیاز مالی او رفع شود شاید هرگز به سمت ارتکاب سرقت نرود و حتی از تصمیم خود پشیمان شود. بنابراین گرایش رفتاری فرد براساس موقعیت‌های مکانی و زمانی و شرایط مالی و روحی - روانی تغییر می‌کند (عبداللهی، ۱۳۹۱: ۳۵).

این دو فضایی شدن و ارتباط بین آنها در بروز رفتارهای مجرمانه انکارناپذیر است. جایشانکار در یکی دیگر از ارکان تئوری انتقال فضای خود بیان می‌دارد: انتقال فضا شامل جابه‌جایی افراد از یک فضا به فضای دیگر است (مثلاً از فضای فیزیکی به فضای مجازی) و افراد وقتی از فضایی به فضای دیگر می‌روند متفاوت رفتار می‌کنند

(Jaishinkar, 2007: 7). بنابراین جابه‌جایی در این دو فضا با بروز رفتارهای متفاوت همراه خواهد بود و این جابه‌جایی است که سبب انتقال رفتار از دنیای واقعی به دنیای مجازی و برعکس خواهد شد.

بنابراین آنچه که افراد عمدتاً در فضای مجازی، وبگاه‌ها، شبکه‌های مجازی و ... از طریق هم‌نشینی و ارتباط با کسانی که حامل هنجارها و رفتارهای مجرمانه هستند می‌آموزند بر مبنای رویکرد یادگیری اجتماعی این رفتارها توسط افراد آموخته شده و درونی می‌شوند و هر فرد با الگوبرداری از این اعمال نه تنها بر کنشگری دنیای مجازی اثر می‌گذارد بلکه بر رفتارهای واقعی افراد نیز اثرگذار خواهد بود (عباسی شوازی، معینی و پوریان، ۱۳۹۷: ۹۸).

عکس این قضیه نیز درست است یعنی سرایت رفتار مجرمانه از دنیای واقعی به فضای مجازی. البته منظور از این نوع سرایت صرفاً نشر و پخش رفتارهای مجرمانه در فضای مجازی نیست، بلکه علاوه بر آن و با تأکید بیشتر بر ارتکاب رفتار مجرمانه، منظور انجام آن در فضای سایبر است. به عنوان مثال زمانی که یک کاربر فضای مجازی در دنیای واقعی متحمل ضرر و آسیب می‌شود ممکن است سعی در جبران خسارات وارده به خود کند و به کج‌رفتاری در فضای مجازی گرایش پیدا کنند (اشرفی، ۱۳۹۵: ۲۵). بنابراین انحراف و آسیب‌های اجتماعی با توجه به پارادایم دوفضایی^۱ شدن در دو فضای فیزیکی و مجازی دنبال می‌شود که در مواقعی این آسیب‌ها در هر دو فضا در چسبندگی مطلق با یکدیگر قرار دارند. بنابراین شناخت آسیب‌های فضای فیزیکی در شناخت آسیب‌های دوفضایی می‌تواند کمک‌کننده باشد (عباسی شوازی، معینی و پوریان، ۱۳۹۷: ۸۲).

۲-۳. میان کنش فضاهای مجازی و واقعی در افزایش رفتار مجرمانه

تولید رفتار مجرمانه در دنیای مجازی و واقعی و سرایت این رفتارها از فضای واقعی به مجازی و برعکس، به افزایش رفتارهای مجرمانه در هر دو فضا منجر خواهد شد. این دور بین این دو فضا همچنان ادامه خواهد داشت، متوقف نخواهد شد و تردید است در اینکه آیا قانونی فوق اشباع جنایی^۱ انریکو فری^۲ در این باره موجب توقف این رفتارها خواهد شد یا خیر. زیرا این قانون در خصوص محیط‌های واقعی مشخصی است که حجم جرائم در آنها بیش از حد زیاد شده باشد در حالی که در فضای مجازی اصلاً حدودمرزی برای شناسایی مکانی و جغرافیایی رفتارها وجود ندارد. بنابراین میان کنش هم‌نشینی‌های واقعی و مجازی همواره سبب افزایش رفتارهای مجرمانه خواهد شد و فقط ممکن است سرعت آنها کم یا زیاد شود و درصد افزایش آنها تغییر یابد.

در مورد افزایش رفتارهای مجرمانه ناشی از میان کنش فضای مجازی و واقعی می‌توان به چالشی به عنوان یک بازی با عنوان نهنگ آبی که چند سال پیش در فضای مجازی گسترش یافته بود اشاره کرد. این بازی شامل پنجاه مرحله بود که مخاطبان آن بیشتر نوجوانان بودند و مدیران را در طول پنج روز به کاربران واگذار می‌کردند و از واردشدگان به بازی خواسته می‌شد تا گاه‌وبیگاه اقداماتی را انجام دهند که بعضاً شامل بریدن لب یا ایجاد خراش روی دست و ... بود و کاربران باید عکس آن را برای مرجع مربوط می‌فرستادند تا وارد مرحله بعد شوند و در چالش نهایی نیاز به خودکشی بود^۳ بنابراین از قدرت فضای مجازی و نقش مکملی که با فضای واقعی در افزایش رفتارهای مجرمانه دارد نباید غافل شد.

1. Criminal Saturation
 2. Enrico Ferri
 3. <http://ketabesabz.com>

همچنین اگر دنیای مجازی، اعم از فضای مجازی دانسته شود، در این صورت رسانه‌های تلویزیونی نیز نقش بسزایی در این زمینه خواهند داشت. مثلاً ممکن است شخصی با دیدن صحنه‌های خشونت‌بار و نقش‌های مجرمانه در تلویزیون تحت تأثیر قرار بگیرد و آنها را بیاموزد. البته همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردیم صرف مشاهده یا هم‌نشینی منجر به یادگیری نخواهد شد و عوامل دیگری نیز باید وجود داشته باشد مانند مدت این تماس‌ها، شدت آنها و ارزیابی موقعیت و حل مسئله توسط شخصی که مشاهده می‌کند.

ارتباط منحرفان و بزهکاران گاه در هر دو فضای مجازی و واقعی ادامه‌دار است و به عنوان شرکای اعمال مجرمانه دائماً با هم در ارتباط هستند که همین امر می‌تواند موجب افزایش رفتارهای مجرمانه شود. بروس کوئن^۱ معتقد است شرکای رفتارهای انحرافی با دو هدف دور هم جمع می‌شوند: تحت حمایت قرار دادن یکدیگر و فراهم کردن بستری برای ابراز رفتارهای مجرمانه خود (کوئن، ۱۳۹۵: ۲۸۲).

۳. آثار هم‌نشینی فرق‌دار مجازی

هم‌نشینی فرق‌دار مجازی آثاری به مراتب شدیدتر از هم‌نشینی فرق‌دار در فضای واقعی می‌تواند داشته باشد. افراد غالباً به دلیل ویژگی‌های خاص فضای مجازی، با بی‌اعتمادی وارد این فضا می‌شوند و اصل را بر بی‌اعتمادی می‌گذارند، زیرا در شرایط مختلف «خودهای» مختلفی را در فضای مجازی به نمایش خواهند گذاشت و این خودهای مختلف مجازی می‌تواند نشان از بی‌اعتمادی آنها به این فضا باشد (فتاحی، ۱۳۹۵: ۳۷). از این‌رو حجم فضای مجازی از بی‌اعتمادی‌های متقابل کاربران نسبت به یکدیگر پر است که آثار مهمی را به جا می‌گذارند مانند دروغ‌گویی و جعل هویت (یا

1. Bruce Cohen

اینکه افراد گاهی به‌عنوان جنس مخالف اقدام به معرفی خود می‌کنند) که هر یک از آنها نیز آثار سوء به همراه خواهد داشت.

به‌هم‌ریختگی مرزهای عفاف و عفت از آثار فناوری‌های نوین همچون اینترنت و شبکه‌های مجازی است (السان، ۱۳۹۹: ۲۲۱). این مسئله می‌تواند برای کودکان و نوجوانانی که بدون نظارت وارد این فضاها و شبکه‌ها می‌شوند، بسیار خطرناک باشد. هم‌نشینی مجازی بدون استفاده از وسایل ارتباطی نوین معنا نخواهد داشت. از این‌رو استفاده از وسایل نوین ارتباطی موجب تسهیل شکل‌گیری تبلیغات مرتبط با مسائل جنسی و کژروی در این حوزه می‌شود و شگردهای جدیدی برای جذب بزهکار و بزه‌دیده فراهم می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۱۵). افراد به خصوص نوجوانان و کودکان، ممکن است بیشتر به سمت ویدئوها و مطالب انحرافی در فضای مجازی گرایش یابند. کنترل هرزه‌نگاری و مطالب مستهجن در این فضا سخت است و فعالیت‌هایی مانند تبلیغات نژادپرستانه و آموزش ساختن مواد آتش‌زا به راحتی در اینترنت بارگذاری می‌شود و قابل نسخه‌برداری و مشاهده مجدد است. همچنین گفتگوی اینترنتی، نه فقط به عنوان تهدید مجازی، بلکه تهدیدی واقعی محسوب می‌شود (همان: ۳۴۳).

هم‌نشینی مجازی موجب یادگیری رفتارهای کژروانه از جمله توهین، ساخت صفحه پروفایل قلابی (فیک) در شبکه مجازی، ارسال و دریافت محتوای مستهجن می‌شود. بنابراین بزهکاری و بزه‌دیدگی هر دو از آثار هم‌نشینی مجازی هستند و در این میان زنان و کودکان سهم بیشتری در بزه‌دیدگی می‌توانند داشته باشند. در این راستا برخی معتقدند که هر جا بودن و هیچ جا بودن با فضای مجازی تحقق پیدا می‌کند (زابلی‌زاده و وهاب‌پور، ۱۳۹۷: ۵۵).

۱-۳. آثار فردی

برای هر شخصی که وارد فضای مجازی می‌شود و به‌طور مستمر با این فضا خو می‌گیرد، براساس تربیت خانوادگی و خصوصیات اخلاقی آثاری بر او خواهد داشت. برای مثال یک محقق یا پژوهشگر با هدف تحقیق و پژوهش وارد این فضا می‌شود و چه‌بسا با محتوای مجرمانه‌ای هم برخورد کند که تأثیر منفی بر وی نگذارد. البته تجربیات گذشته یک فرد در ارزیابی موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد مؤثر است و در واقع توضیح رفتار مجرمانه براساس تجربیات گذشته ضروری است (Sabani, 2013: 60). یادگیری کودکان و کسب تجربه در این دوره و توانایی حل مسئله توسط آنان بسیار حائز اهمیت است و بیش از همه، هم‌نشینی مجازی برای کودکان و نوجوانان اهمیت می‌یابد و گاه آثاری دارد که تا سال‌های متمادی حتی در دوران بزرگسالی ادامه خواهد داشت. بزرگ‌ترین قربانیان فضای مجازی کودکان هستند. صرف‌نظر از فضای جرم و جنایت، رواج انواع بازی‌های رایانه‌ای نامناسب موجب شده است که وقت مفید آنها هدر رود و از دو حق مهم (آموزش و تربیت صحیح و رشد در محیط سالم و طبیعی) محروم شوند (السان، ۱۳۹۹: ۲۲۱-۲۲۰). هویت برخی کودکان با هم‌نشینی با افراد بزرگسال شکل خواهد گرفت به‌طوری‌که حتی مورد سوءاستفاده جنسی نیز قرار می‌گیرند. اریکسون می‌گوید اگر هویت نوجوان شکل بگیرد و بتواند خود را بشناسد، تعادل روانی وی تضمین می‌شود (محمودی، ۱۳۹۷: ۱۳۸). بنابراین اگر شکل‌گیری هویت فرد در دوران کودکی و نوجوانی با سوءاستفاده‌های جنسی آمیخته شود، به‌طور قطع آثار سوء روانی به همراه خواهد داشت. در یکی از گزارش‌های سازمان ملل متحد آمده است که اینترنت از عوامل مهم و مؤثر در تجاوز جنسی به کودکان و مهم‌ترین وسیله برای هرزه‌نگاری و ترویج فحشا میان آنهاست (السان، ۱۳۹۹: ۲۱۸). علاوه‌بر این خشونت‌های فضای

مجازی آثار نامناسبی را بر روحیه و خلق و خوی کودکان و نوجوانان خواهد گذاشت. یکی از مهمترین آثار فردی هم‌نشینی‌های مجازی که نه تنها در کودکان بلکه در بزرگسالان نیز نمایان می‌شود، ایجاد افسردگی است. افرادی که از اینترنت بیشتر استفاده می‌کنند، کمتر برای دوستان خود وقت گذاشته و زمان کمتری را با خانواده می‌گذرانند و در نتیجه استرس بیشتری را تجربه می‌کنند و احساس تنهایی و افسردگی خواهند کرد (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۶). اعتیاد به اینترنت از دیگر معضلاتی است که دامن‌گیر فرد خواهد شد. همچنین تغییر افکار و عقاید، ایجاد درگیری ذهنی، هدر رفتن وقت، شکست‌های عشقی، کاهش ارتباط با خانواده و افزایش انزوا، ناامیدی، درگیر شدن در سایت‌های قمار و گاه گرایش‌ها یا رفتارهای خودکشی از دیگر آثار فردی هم‌نشینی‌های مجازی است.

۲-۳. آثار خانوادگی

اولین کسان فرد که در بدو تولد با آنها ارتباط می‌گیرد خانواده است. آکرز معتقد است معاشرت‌هایی که زودتر در زندگی شروع می‌شوند طولانی‌تر و بادوام‌تر هستند و شامل روابط نزدیک و مهمی می‌شوند و تأثیر شدیدی بر رفتار و نگرش‌های فرد می‌گذارند (Lee, 2015: 29). از نظر گیدنز خانواده مهمترین بستری است که رشد و نمود شخصیت انسان شناخته می‌شود. وی دو کارکرد اصلی خانواده را اجتماعی شدن و تثبیت شخصیت اعضای آن می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۰۰). با این وصف تهدید جدی علیه خانواده‌های امروزی (به‌ویژه جوان‌ترها)، ارتباط مستمر پدر و مادر با فضای مجازی است که همین امر موجب غفلت خانواده از فرزند و به فراموشی دو کارکرد اصلی خانواده می‌شود، زیرا زمانی برای اجرای این دو اصل برای خانواده‌ها باقی نمی‌ماند. گاهی هم‌نشینی‌های مجازی موجب شکل‌گیری یک خانواده است؛ مانند ازدواج‌هایی که ناشی از آشنایی در فضای مجازی است که البته شیوه متعارفی برای

ازدواج نیست و ممکن است بی‌ثباتی در خانواده را تشدید و منجر به طلاق شود. گاهی همین هم‌نشینی‌های مجازی موجب اضمحلال یک خانواده می‌شود؛ مانند اعتیاد زن و شوهر به شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام که کاسه صبر طرف دیگر را لبریز می‌کند. در برخی از گزارش‌ها طلاق دادن همسر توسط مرد به علت اعتیاد او به فضای مجازی مستند شده است (www.ilna.news). در پژوهشی ثابت شده است که میان استفاده مداوم یا اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میزان گرایش به طلاق و اختلاف‌های زناشویی رابطه معناداری وجود دارد (اسکندری و درودی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۱). این ارتباط‌های مداوم باعث می‌شوند که ارتباط چهره به چهره و تعاملات عمیق انسانی در درون خانواده کمرنگ شود و در عوض، ارتباطات مجازی کم‌عمق جای آن را بگیرد. برای مثال اعتیاد به شبکه فیس‌بوک که از آن به اختلال اعتیاد به فیس‌بوک^۱ یاد می‌شود، رابطه مستقیمی با طلاق دارد و طلاق نیز آثاری سوء در فرزندان ایجاد می‌کند.

در روان‌شناسی نیز اهمیت زیادی به رابطه مادر و فرزند داده می‌شود (محمودی، ۱۳۹۷: ۱۴۶). مطالعات نشان می‌دهند افرادی که رابطه عاطفی و معنوی مناسبی با مادر خود ندارند، بیشتر دست به بزهکاری می‌زنند (نجفی توانا، ۱۳۹۹: ۲۲۶).

۳-۳. آثار اجتماعی

با توجه به اینکه هر اجتماعی از خانواده و هر خانواده از فرد تشکیل می‌شود، آثار هم‌نشینی‌های مجازی ناگزیر از فرد به خانواده و از خانواده به جامعه نیز سرایت می‌کند. کارکرد جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن، از وقتی که کودک به سن ۶ سالگی می‌رسد، از خانواده به مدرسه منتقل می‌شود (کوئن، ۱۳۹۵: ۱۷۷). بنابراین فرد، محیط جامعه را از این سن کم‌وبیش به صورت مستقل تجربه می‌کند. این در حالی

1. Facebook Addiction Disorder (FAD)

است که ورود به اجتماعات یا گروه‌های فضای مجازی توسط برخی کودکان حتی ممکن است پیش از ورود به جامعه باشد که می‌تواند آثار مخربی را برای کودک در جامعه واقعی به جا گذارد. در واقع برخی از شبکه‌های اجتماعی مجازی به شبکه‌های ضد اجتماعی تبدیل شده‌اند که موجب افزایش نرخ بزهکاری می‌شوند و این افزایش نرخ هزینه‌های گزافی را بر دولت و اجتماع تحمیل می‌کند. فضای مجازی یا سایبر، دولت را به عنوان نهاد ناظر بر روابط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ... خلع سلاح می‌کند (زابلی‌زاده و وهاب پور، ۱۳۹۷: ۵۶) و از این طریق بر افزایش هزینه‌های دولت می‌افزاید.

جرم‌شناسان مهاجرت را یک عامل اجتماعی مؤثر بر افزایش جرم می‌دانند. توماس و زنانیکی^۱ در کتابی با عنوان *روستای لهستانی* (۱۹۱۸) به تحلیل مهاجرت روستاییان لهستانی به آمریکا می‌پردازند. آنان بیان می‌کنند که جمعیت مهاجر لهستانی، مشکلاتی را برای آمریکا ایجاد کردند که می‌توان به مشکلات خانوادگی و افزایش نرخ بزهکاری اشاره کرد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۲۳۷). برای مثال جابه‌جایی از روستا به شهر می‌تواند سبب افزایش بزهکاری شود، در حالی که در فضای مجازی نیازی به چنین جابه‌جایی‌هایی نیست.

ترویج فرهنگ‌هایی که کاربران اینترنتی با هم‌نشینی فراگرفته‌اند نیز از آثار اجتماعی هم‌نشینی مجازی است. به عنوان مثال، یک دختر یا پسر با دیدن انواع پوشش سایر کاربران از فرهنگ‌های کشورهای دیگر سعی می‌کنند تا از آنان تقلید کنند و به گسترش آن فرهنگ در جامعه خود دامن زنند که این خود ممکن است متعارض با فرهنگ ملی کشورشان باشد. بنابراین آثار اجتماعی هم‌نشینی مجازی و آسیب‌های اینترنتی از طریق سلطه فرهنگی بر ملت‌ها بروز می‌کند (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

همچنین تبلیغات فضای مجازی ممکن است موجب گسترش باورهای پوچ از طریق نشر خرافات شود و فضای اجتماع را متشنج کند. شاید بتوان اجتماعات مجازی را به سرابی تشبیه کرد که کاربران زیادی را در عطرش رسیدن به آرزوهای خود جذب کرده و فریب می‌دهد. به این ترتیب امروزه اینترنت می‌تواند به عنوان یک فضای ضداجتماعی عمل کند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انسان بعد از تولد با یادگیری رشد می‌کند و به زندگی خود ادامه می‌دهد، به طوری که بدون یادگیری فرایند زندگی مختل می‌شود. این یادگیری، طیف وسیعی از رفتارها (اعم از رفتارهای عادی تا انحرافی) را شامل می‌شود. در هر دو مورد یادگیری تابع روش یکسانی است همچنان که ساترلند، مشهورترین نظریه پرداز یادگیری بیان داشته است: یادگیری رفتار مجرمانه در هم‌نشینی با انسان‌های بزهکار آموخته می‌شود. البته مقیاس، اندازه مدت و شدت این تماس‌ها و هم‌نشینی‌ها در یادگیری از اهمیت بسیاری برخوردار است. فضای مجازی به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر زندگی انسان امروزی نقش بسزایی در این یادگیری ایفا می‌کند، به گونه‌ای که حتی نسبت به یادگیری در فضای واقعی می‌تواند مؤثرتر باشد. نقض هنجارهای جامعه در مقابل گرایش به پیروی از این هنجارها در فضای مجازی، بسیار بیشتر از فضای واقعی است. بنابراین فرایند یادگیری رفتار مجرمانه مجازی نیز تابع همان ارکان ۹گانه نظریه یادگیری ساترلند است.

ویژگی منحصر به فرد فضای مجازی موجب تشکیل یک زیست‌بوم جرم‌زای مجازی می‌شود و با جذابیتی که دارد افراد بسیاری را تشویق به تعامل با یکدیگر می‌کند و با تأثیرگذاری بر این افراد و متقابلاً تأثیرپذیری افراد از این فضا، موجب انتقال رفتار

مجرمانه به آنها می‌شود. در مورد کودکان و نوجوانانی که گرایش بسیاری به برقراری ارتباط با این فضا دارند، این تأثیرپذیری بسیار بیشتر خواهد بود. همچنین حضور افراد با گرایش‌های مذهبی، اعتقادی و فرهنگی از ملت‌های مختلف با قومیت‌های متفاوت در شبکه‌های اجتماعی پرتفداری همچون اینستاگرام و فیسبوک نیز می‌تواند بستری را برای تعارض میان این اعتقادات و فرهنگ‌ها فراهم کند که همین امر موجب افزایش جرائم و حتی تغییر در نوع آن می‌شود، به گونه‌ای که نقش فضای مجازی را در یادگیری رفتارهای مجرمانه انکارناپذیر می‌کند. فضای مجازی، نه به عنوان یک مکمل برای فضای واقعی، بلکه به عنوان فضایی مستقل به گسترش روابط افراد منجر می‌شود و بدون هیچ محدودیتی که از نظر مکان و زمان افراد را در معرض طیف وسیعی از تعاملات قرار می‌دهد، خطر یادگیری رفتارهای مجرمانه را افزایش می‌دهد. امروزه برخی افراد بیشتر در فضای مجازی زندگی می‌کنند تا دنیای واقعی. با این حال این دو فضا در تکمیل فرایند یادگیری رفتار مجرمانه در میان کنش یا تعاملی باورنکردنی در تولید جرم و افزایش رفتارهای کژروانه نقش آفرینی می‌کنند. تقلید رفتارهای انحرافی مجازی و سعی در اجرایی کردن آن در دنیای واقعی، موجب سرایت رفتارها بین این دو فضا شده و به پیشبرد اهداف انحرافی و افزایش این رفتارها کمک می‌کند. برقراری تماس‌های مستمر با هزاران نفر از افراد در شبکه‌های اجتماعی مختلف مجازی که امروزه به عنوان شبکه‌های ضداجتماعی عمل می‌کنند، موجب اعتیاد به این فضا می‌شود و آثار مخربی را در فرد و خانواده و جوامع ایجاد می‌کند. نهایت اینکه آثاری که هم‌نشینی مجازی ایجاد می‌کند، می‌تواند به مراتب بیشتر از هم‌نشینی واقعی باشد.

با در نظر گرفتن ملاحظات گفته شده پیشنهاد‌های ذیل مفید و راهگشا به نظر می‌رسند:
الف) فضای مجازی جزء ضروریات زندگی امروزی محسوب می‌شود که اکثر مردم

جهان با آن انس گرفته‌اند؛ اما همان‌طور که گفته شد می‌تواند آثار منفی نیز داشته باشد. اما درباره کنترل این آثار منفی به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود که از فیلترینگ استفاده شود زیرا حساسیت‌های بیشتری ایجاد می‌شود.

ب) پیشگیری از یادگیری رفتار مجرمانه در فضای مجازی امری ضروری است. در این مورد پیشنهاد نگارندگان مقاله حاضر این است که در زمینه پیشگیری رشد مدار اقداماتی انجام شود از جمله اینکه برای خانواده‌ها جهت بهره‌مندی صحیح از فضای مجازی آموزش‌هایی در نظر گرفته شود. این آموزش‌ها می‌تواند در سطح مدارس نیز بسیار مؤثر باشد.

ج) خانواده‌ها باید نظارتی حسابگرانه و همراه با درایت و تدبیر و به دور از شدت عمل و سخت‌گیری نسبت به فرزندان خود داشته باشند و طرز صحیح استفاده از فضای مجازی را به آنها آموزش دهند.

منابع و مأخذ

۱. آقای، سارا (۱۳۹۶). «رسانه و جرم از منظر جرم‌شناسی فرهنگی» فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، ش ۱.
۲. اسکندری، حسین و حمید درودی (۱۳۹۵). «بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۵، ش ۳۳.
۳. اشرفی، نادیا (۱۳۹۵). «تبیین چرایی وقوع خشونت‌های خیابانی از منظر نظریه‌های یادگیری اجتماعی و فشار اجتماعی با رویکردی پیشگیرانه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. السان، مصطفی (۱۳۹۹). حقوق فضای مجازی، چاپ چهاردهم، تهران، نشر شهر دانش.
۵. ایار، علی، محمدرضا نظری و سعید خانی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم مطالعه موردی زندان دره‌شهر»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۵، ش ۴۰.
۶. بخشش بروجنی، میکائیل، تورج هاشمی و سپیده فرج‌پور نیری (۱۳۹۸). «پیش‌بینی رفتارهای پرخطر براساس هم‌نشینی با همسالان بزهکار، افسردگی و حل مسئله»، فصلنامه اعتیادپژوهی سوءمصرف مواد، سال ۱۳، ش ۵۳.
۷. بردبار، حامد و سیدمجتبی حسینی فرد (۱۳۸۸). یادگیری الکترونیک پارادایم جدید یادگیری، سال ۲، ش ۳.
۸. بیات، شیرین و الهه لطفعلی‌زاده مهرآبادی (۱۳۹۸). مختصر جرم‌شناسی، چاپ اول، تهران، نشر دادبانان دانا.
۹. جهان‌بخش، اسماعیل و محبوبه ترکی هرچغانی (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر جرم زنان زندانی در شهر شهرکرد»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال ۸، ش ۳۱.
۱۰. چان، آنجالا کی بی، چان، وانسا ام اس (۱۳۹۲). «مفهوم عمومی از جرم و رویکرد نسبت به پلیس: بررسی تأثیرات اخبار رسانه»، ترجمه رؤیا آسیایی، فصلنامه دانش انتظامی خوزستان، ش ۴.
۱۱. حسین‌زاده، راحله، مهدی محمودی و عارف حسین‌پوری (۱۳۹۹). «درآمدی انتقادی بر نقش یادگیری الکترونیکی در یادگیری»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، سال ۲، ش ۳.

۱۲. حیدری، مسعود و پویا شیرانی (۱۳۹۶). «تأثیر فضای مجازی بر بزهکاری اطفال و نوجوانان معارض با قانون»، کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روان‌شناسی و علوم تربیتی حقوق و علوم اجتماعی، ش ۱.
۱۳. رایجیان اصلی، مهرداد، سمیه رفیعی و ایرج اسماعیلی (۱۳۹۳). «اثر متقابل معاشرت و هم‌نشینی زنان زندانی در یادگیری و تکرار جرم»، مجله اصلاح و تربیت، سال ۱۲، دوره پیاپی ۲۳۵، ش ۱۵۰.
۱۴. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). *درآمدی بر جرم‌شناسی*، چاپ سوم، تهران، نشر سمت.
۱۵. رجبی، ابراهیم (۱۳۹۱). «جرم‌شناسی فضای اینترنت»، فصلنامه دانش انتظامی، سال ۱۵، ش ۳.
۱۶. رستمی، نیر و فیروز راد (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش‌آموزان بر رفتارهای ناهنجار مطالعه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۵، ش ۲۰.
۱۷. رضایی، شیوا (۱۳۹۶). «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به کج‌رفتاری در شبکه‌های اجتماعی مجازی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۸. زابلی‌زاده، اردشیر و پیمان وهاب‌پور (۱۳۹۷). «قدرت بازدارندگی در فضای سایبر»، فصلنامه رسانه و فرهنگ، سال ۸، ش ۱.
۱۹. عباسی شوازی، محمدتقی، مهدی معینی و روح‌الله پوریان (۱۳۹۷). «فضای مجازی هم‌نشینی و رفتارهای پرخطر مطالعه رابطه هم‌نشینی دانشجویان در فضای مجازی با رفتارهای پرخطر در فضای واقعی و مجازی»، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال ۱۰، ش ۳.
۲۰. عبدالهی، رضا (۱۳۹۱). «بررسی نظریه جرم‌شناسی پیوند افتراقی ساترلند و نظریه موقعیت جرم‌شناسی در تبیین جرائم خشن زندانیان مرد زندان اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۱. فتاحی، زینب (۱۳۹۵). «بررسی رابطه اعتیاد اجتماعی و خودمجازی در شبکه‌های اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران، دانشگاه الزهرا.
۲۲. فلاحتی، حمید (۱۳۹۳). «آسیب‌های اجتماعی در فضای مجازی»، فصلنامه پایش سبک زندگی، ش ۲.

۲۳. کروتی، دیوید و ویلیام هوینز (۱۳۹۱). *رسانه و جامعه: صنایع، تصاویر و مخاطبان*، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع).

۲۴. کوئن، بروس (۱۳۹۵). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چاپ بیست‌وهفتم، تهران، نشر سمت.

۲۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاووشی نیای، چاپ دوم، تهران، نشر غزال.

۲۶. محمودی، ژاله (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی ارتکاب جرم در بین جوانان و راهکارهای پیشگیری از آن در جامعه»، فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی *قانون‌یار*، دوره ۱، ش ۳.

۲۷. نجفی ابرنآبادی، علی‌حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۹۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ پنجم، تهران، نشر گنج دانش.

۲۸. نجفی توانا، علی (۱۳۹۹). *جرم‌شناسی*، چاپ بیست‌ودوم، تهران، آوای حکمت.

۲۹. نصرتی، مهدی (۱۳۹۶). *ابعاد روان‌شناختی فضای مجازی*، اولین کنفرانس بین‌المللی ظرفیت‌شناسی و تأثیرگذاری فضای مجازی در ارتقای آموزش‌های دینی، قابل دسترسی در:

<https://civilica.com/doc>

۳۰. هاشمی چهنوئی، اکرم‌سادات (۱۳۹۴). «بررسی فقهی و حقوقی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، پردیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه اقتصاد مدیریت و علوم اداری دانشگاه سمنان.

31. Jaishankar, K. (2007). "Establishing a Theory of Cyber Crimes", *International Journal of Cyber Criminology*, Vol. 1, Issue. 2.

32. Janković, I. and V. Pesić (1981). *Društvena Devijacije – Kritike Socijalne Patologije*, Više škola za Socijalne Radnike, Beograd.

33. Lee, B.H. (2015). *Traditional and Cyber Deviance: Examining the Role of Self-control and Deviant Peer Association, A Dissertation, for the Degree of Criminal Justice – Doctor of Philosophy*, Michigan State University.

34. Maloku. A. (2020). "Theory of Differential Association", *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, Vol. 9, No. 1.

35. Šabani, A. (2013). *Sociologija. Univerzitet u Sarajevu, fakultet za Kriminalistiku, Kriminologiju i Sigurnosne Studije, Sarajevo*.

36. Wright, A.R. and M. J. Miller (2005). Encyclopedia of Criminology, Published in Great Britain by Routledge an Imprint of the Taylor and Francis Group.

37. <http://ketabesabz.com>.

38. <https://amar.org.ir>.

39. www.ilna.news.

